



ارشادي دانستن امر مولا، باعث ابتلاي انسان به گناه کبيره مي‌شود

مدیر حوزه علمیه امام مهدی (عج) گفت: یکی از چیزهایی که توایین باید سر لوحه عملشان قرار بدهند، «تنبیهای الهیه» است و حتما باید تحت نظر ولیّ خدا نیز باشد.

مدیر حوزه علمیه امام مهدی (عج) گفت: یکی از چیزهایی که توایین باید سر لوحه عملشان قرار بدهند، «تنبیهای الهیه» است و حتما باید تحت نظر ولیّ خدا نیز باشد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، پنجمین جلسه اردیبهشت‌ماه درس اخلاق آیت‌الله روح‌الله قهری در مسجد و حوزه علمیه امام مهدی عجلّ الله تعالی فرجه الشریف در حالی برگزار شد که موضوع این جلسه بررسی اجتناب از گناهان کبیره و صغیره و اطاعت از امر خدا و ولیّ خدا بود و آنچه در ذیل می‌آید محصول این درس اخلاق است:

گناه کبیره و صغیره عندالعرفاء و العقلاء یکسان است، زیرا گناه کردن، مخالفت با امر خداوند متعال است و به این خاطر است که آنها تعریف به صغیره و کبیره نمی‌کنند؛ و اولیای الهی قائلند که اگر گناه صغیره‌ای را صغیره و کوچک شمردی، مقدمه‌ای برای کبیره می‌شود و به این دلیل است که از انجام دادن گناه کوچک نیز وحشت دارند.

*گناه کبیره و صغیره عندالعرفاء و العقلاء یکسان است

علامه مجلسی(ره) چهار مطلب را برای گناهان کبیره بیان کرده‌اند که یکی از آنها این است: «أو کان عظیمة فی أنفس أهل الشرع» یعنی هر گناهی که نزد اهل متشرعین و متدینین بزرگ شمرده شود، گناه کبیره است.

از آیت‌الله مولوی قندهاری(ره) نقل شده است که روزی آقا سیدابوالحسن اصفهانی(ره) به طلبه‌ها فرمود: نماز شب نخواندن برای شما گناه است، سپس از آقا سؤال شد که آیا به نظر نمی‌رسد که گناه افعالی است که خداوند انجام دادن آنها را نهی کرده است و یا معصومین(ع) در روایات، انجام دادن آنها را منع کرده‌اند که همان مخالفت با امر خداوند است، آیت‌الله اصفهانی(ره) با اشاره به کلام علامه مجلسی(ره) فرمود: هر چیزی عندالعرفاء و العقلاء انسان را از قرب خدا دور کند، گناه کبیره است و سپس فرمود: من می‌دانم که قرب طلبه و اهل علم به خدا، خواندن نماز شب است و اگر نماز شب ترک شود، از قرب الهی دور شده و مبتلا به گناه کبیره شده است در حالی که در حالت ظاهری، جزء گناهان کبیره نیست.

بنابراین زمانی که يك ولیّ خدا مانند سیدابوالحسن اصفهانی(ره) می‌گوید چنین چیزی گناه کبیره است، کبیره می‌شود، چه برسد به اینکه اصلاً انسان تصور گناه نبودن آن را بکند و این مطلب برای بسیاری از علماء نیز عجیب آمده بود.

بنده این مطلب را به محضر آیت‌الله مرعشی نجفی(ره) عرضه داشتم: آیت‌الله اصفهانی(ره) این طور از آیت‌الله مولوی قندهاری(ره) نقل می‌کنند؛ سپس ایشان به من فرمود: شك نکن که گناه کبیره است و نزد اهل عقل و معرفت، به عنوان گناه کبیره شمرده می‌شود. روزی آیت‌الله مولوی قندهاری(ره) نقل کردند که می‌دانید که برای چه دین به انحراف کشیده شد؟ سپس فرمود: زمانی که مسلمان‌ها امر پیامبر(ص) خود را امری ارشادی نه به عنوان امری مولوی تعبیر کردند، این طور شد؛ زمانی که پیامبر(ص) دست‌علي(ع) را بالا بردند و فرمودند: «من كنت مولا فهذا علي مولا» و این یعنی حبّ امیرالمؤمنین(ع)؛ آن زمانی که مردم، این امر پیامبر(ص) را ارشادی تعبیر کردند، مبتلا به گناه کبیره شدند و بعد از آن زمان بود که علي(ع) را در محراب نماز به شهادت رساندند و بی‌بی دو عالم حضرت زهراء سلام‌الله‌علیها میان در و دیوار قرار گرفتند و آن همه ظلم را به آل‌الله کردند.

*ارشادي دانستن امر مولا، باعث مبتلا شدن انسان به گناه کبيره مي‌شود

قتل نفس از گناهان کبیره است، زیرا عندالعرفاء خلاف امر خدا و رسول است و اگر انسان این مطلب را بفهمد، مطیع امر دین و خدا می‌شود.

از آیت‌الله سلطان‌آبادی(ره) نقل شده است که یکی از مواقعی که شیطان به شدت نگران است و فریاد کلمه «نه» را سر می‌دهد، زمانی است که انسان‌ها را آگاه بکنند که مخالفت امر خدا و رسولش گناه کبیره است؛ از طرفی شیطان قائل به تقسیم گناه به صغیره و کبیره است و به انسان دلداری می‌دهد که خیلی گناه بزرگی نکرده است و این دلداری باعث می‌شود که انسان جرأت بیشتری نسبت به گناه پیدا کند و زمانی که این گونه به گناه نگاه کرد، نسبت به گناهان دیگر جرأت پیدا می‌کند و بنابر قول ملااحمد نراقی(ره)، دیگر گناه برایش معنای گناه نمی‌دهد و تأکید می‌کردند: «اجتنبوا من الذنب من اول مرة» یعنی از اولین گناه پرهیز کنید زیرا با انجام دادن گناه اول، به تدریج روزه برای گناهان بعدی باز می‌شود؛ اما اگر گفته شد که من خیلی مبتلا به گناه نیستم و اولین بار است که خطا کرده‌ام و خدا می‌بخشد، به جایی می‌رسی که گناه کبیره نیز برایت عادی می‌شود.

از آیت‌الله شیخ جعفر شوشتری(ره) نقل شده است که زمانی شمر لعنة‌الله‌علیه در سپاه علي(ع) بود اما کارش از گناه کردن به جایی رسید که وقتی پا بر سینه حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) گذاشت و می‌خواست سر مقدس اباعبدالله‌الحسین(ع) را ببرد، سخنان حضرت به گوشش خورد که می‌فرمود: جدم راست گفت: کسی که سر تو را از بدنت جدا می‌کند، پوزه‌اش مانند سگان است و به این خاطر بود

که جَدَم گلوي مرا بوسه مي‌زد؛ آن ملعون آن قدر جرأت پيدا کرده بود که موهاي خونين حضرت اباعبدالله الحسين(ع) را بالا آورد و سر حضرت را از قفا جدا کرد و آن رعه‌شاي که بر بدن شمر ملعون نيز افتاده بود، فقط به خاطر ضجّه مظلومانه‌اي بود که مادرمان حضرت زهرا(س) در آنجا مي‌زد.

بنابراين اگر کسي جرأت به گناه پيدا کرد و بعد از آن استغفار و توبه نکرد و بر عکس توجيه کرد، کارش به جايي مي‌رسد که وليّ و حجت خدا را به قتل مي‌رساند.

از امام صادق(ع) روايتي نقل شده است که انسان‌ها بايد مطيع حجت خدا باشند و در غير اين صورت اگر رأيشان را با نظر رسول خدا(ص) مخلوط کردند، طبيعي است که مبتلا به گناه مي‌شود و اگر کسي امر وليّ فقيه را به عنوان ارشادي و مولوي تفسير کرد، عاقبت کارش به ناکجا آباد ختم مي‌شود.

***معدن تقوي، قلوب و دل‌هاي عارفان است**

پيامبر اکرم(ص) در روايتي فرمودند: «#«لِكُلِّ شَيْءٍ مَّعْدَنٌ وَ مَعْدَنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ» يعني براي هر چيزي معدن وجود دارد و معدن تقوي دل‌هاي عارفان است.

قرآن کریم مي‌فرمايد: «#«إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» يعني همانا ارجمندترين شما نزد خدا پرهيزگارترين شماست، و در آيه نيامده است علماءکم، أمناءکم و أمراءکم، بلکه «#«أَتْقَاكُمْ» آمده است.

از آيت‌الله مولوي قندهاري(ره) نقل شده است که انسان در زندگي نياز به وليّ خدا دارد تا به امر او از باب اينکه امر خداست توجه کند و نگويد که اين امر ارشادي است و حتي در پي سند آن نيز نباشد.

حاج آقا راشد يزدي نقل مي‌کنند به همراه آيت‌الله خامنه‌اي، به محضر آيت‌الله مرواريد(ره) رفته بوديم و ايشان حديثي را براي ما نقل کردند، سپس حاج آقا راشد يزدي به آيت‌الله مرواريد(ره) گفتند: ببخشيد آقا! سند اين حديث کجاست، سپس بلافاصله آيت‌الله خامنه‌اي فرمودند: هر کس از شما پرسيد، بگويد سندش آيت‌الله مرواريد(ره) است.

بنابراين وليّ و حجت خدا مطالب را از ناحيه اتصاليه مي‌گيرند و نبايد از امر آنها تخلف کرد و به عبارت ديگر اتصال به وليّ خدا لازمه حرکت انسان است که به اشتباه و انحراف نيفتد و گرنه بيچاره مي‌شود.

از حاج آقا نقل شده است که يك زماني به آيت‌الله اديب گفتم: سحرها وقتي براي نماز شب بلند مي‌شوم، ذکر يونسيه را چند بار بگويم، آقا به سرعت جوابم را دادند و من پيش خودم فکر کردم که آقا اهميت زيادي به سؤال من نداد و در نتيجه حرف آقا را گوش نکردم، بعد از آن، شش ماه بود که وقتي در جلسات شب‌هاي جمعه محضر ايشان مي‌رفتم، قليم سنگين بود و حالت پذيرش نداشتم، روزي آقا به من گفت: مثل اينکه حال خوشي نداري؟ گفتم بله آقا، سپس آقا فرمود: يادت هست که قبلا مطلبي را از من پرسيدي، چرا انجام ندادي؟ و بالاخره آقا به او گفت: اطاعت نکردن از امر وليّ خدا، قليت را قسيّ کرده است.

در آيه 93 سوره نساء در قرآن کریم آمده است: «#«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» يعني هر کس عمدا مؤمنی را بکشد، كيفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود و خدا بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ برايش آماده ساخته است.

حاکمان عرب اصلا با قرآن کاري ندارند که اين طور مسلمانان بحرين را به قتل مي‌رسانند و قرآن‌ها را مي‌سوزانند؛ وهابيت در اصل، در بحث يهودشناسي همان يهوديانند.

يکي از مطلبي که جوانان خيلي بايد به آن دقت بکنند، ازدواج کردن به موقع است، و اگر کسي نتواند شهوتش را کنترل بکند، به گناه مبتلا مي‌شود.

***انسان با گناه کردن، انسانيتش را ذبح کرده است**

نقل شده است که روزي شيخ مفيد(ره) به شاگردش سيدمرتضي(ره) گفت: مي‌داني قتل چيست؟ قتل يعني بريده شدن از انسانيت که اولين قتل‌ها است، زيرا به واسطه گناه انسانيت خودش را ذبح کرده است و از مقام انسانيت خارج شده است زيرا مقام انسانيت در مقام طهارت است و گناه ضد طهارت است و اگر انسان نفس اماره را ذبح نکند، نفس اماره او را ذبح مي‌کند.

بنابراين تنها راهي که اولياء الهي بيان مي‌کنند اين است که گناه را کوچک و بزرگ نشماريم.

از آيت‌الله مولوي قندهاري(ره) نقل شده است که روزي آيت‌الله قاضي(ره) گفت: وقتي که در کوچه راه مي‌رفتم و زن نامحرمي از طرف مقابل عبور مي‌کرد، ناخودآگاه پلکم روي هم مي‌رفت، سپس فرمود: اين کار مهمي نيست زيرا اوليائي الهي بعد از اين مرحله به مرحله‌اي مي‌رسند که ديگر صورت نسائيه براي آنها معنايي ندارد و اصلا احساس گناه نمي‌کنند، يعني چشمشان باز است اما نمي‌بينند؛ آيت‌الله قاضي(ره) به مرحله‌اي رسيده بودند که مي‌گفت: گاهي چهره عنتره‌اي در بعضي از زن‌ها مي‌ديدم و وحشت داشتم.

شهيد حسني در کربلاي پنج به بعضي از رزمنده‌ها خبر داده بود که چه کسي شهيد و چه کسي جانباز مي‌شود و حتي به من گفته بود که تو مجروح مي‌شوي و چشمت را از دست مي‌دهي، من نيز به او گفتم انشاءالله خير است و بعدا عين همان چيزهايي که گفته بود، اتفاق افتاد و در حقيقت آن اوليائي خدا عالم‌بين و غيب‌بين به معنای حقيقي بودند.

***تواابين بايد براي خودشان، تنبيهات الهي قرار بدهند**

یکی از چیزهایی که توابعین باید سر لوحه کارشان قرار بدهند، «#تنبیهای الهیه» است و حتماً باید تحت نظر ولیّ خدا نیز باشد. از علامه بحرالعلوم (ره) نقل شده است زمانی که احساس می‌کرد نفس اماره او را اذیت می‌کند و در حال طغیان است، فردای آن روز روزه می‌گرفت و اجازه طغیان به نفس اماره‌ام نمی‌داد و به سرعت خود را تنبیه می‌کرد. بنابراین اگر گناه به تدریج در ذهن پرورش پیدا کند، تبدیل به عمل می‌شود اما نباید گذاشت که نفس به آن مرحله برسد و باید به سرعت استغفار کرد.

توسل به امام زمان (عج) و خلوت کردن با ایشان در دل شب، انسان را بیمه می‌کند زیرا ایشان کریم است و با آغوش باز و کریمانه با انسان برخورد می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری فارس، آیت‌الله روح الله قهری در تهران و در خانواده‌ای متدین متولد و همزمان با گذراندن دوره متوسطه در سال 1355 تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد.

وی پس از گذراندن دوره مقدمات و تفسیر نزد آیت‌الله احمد ادیب، حجج اسلام سید نورالدین دزفولی و حاج میرزا علی اصغر هرندي در سال 1359 عازم قم شد و سطوح عالیّه حوزوی را در قم گذراند.

قهری سطوح عالیّه فقه و اصول خود را نزد حضرات آیات گلپایگانی، مرعشی نجفی، تبریزی، بهجت، مکارم شیرازی و حسن زاده آملی و جوادی آملی گذراند و در نهایت از آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) اجازه‌نامه اجتهاد کسب کرد.

وی در دوران هشت سال دفاع مقدس در کنار تحصیل دروس حوزوی بارها در میدان نبرد حق علیه باطل حضور پیدا کرد و در سال 1364 در منطقه عملیاتی فاو بر اثر گاز خردل اعصاب، شیمیایی شده و در سال 1365 نیز در منطقه عملیاتی شلمچه با اصابت ترکش و تخلیه چشم راست و ساییدگی مهره‌های ستون فقرات به خیل جانبازان جنگ تحمیلی پیوست.

این جانباز 70 درصد، پس از جنگ تحمیلی، تدریس مکاسب، کفایه، تجرید العقاید و نهایه الحکمة را در مدرسه علمیه فیضیه قم آغاز کرد اما به سبب آسیب‌های ناشی از مواد شیمیایی و دستور پزشکان، از سال 1374 از شهر مقدس قم به سوی تهران هجرت کرد.

قهری پس از دریافت مدرک دکترای فلسفه غرب از دانشگاه هامبورگ، در تهران به تدریس فلسفه، حقوق و معارف در دانشگاه‌های نیروی انتظامی، علامه طباطبائی (ره)، امام صادق (ع) و تهران مشغول شد.

وی از سال 1381 با تأسیس حوزه علمیه امام مهدی (عج) در شهرک حکیمیه تهران فعالیت‌های دانشگاهی خود را متوقف کرده و به تربیت طلاب پرداخت و افزون بر تدریس اخلاق، تفسیر قرآن، ادبیات، منطق و کلام، دوره روش تحقیق را نیز ویژه طلاب برگزار کرد و از سال تحصیلی 1388 تدریس خارج اصول را نیز آغاز کرد.

مؤسس حوزه علمیه امام مهدی (عج) تهران تاکنون کتاب‌های «#گوهرهای فوق عرشی جلد 1» (شرح دعای ابوحمزه ثمالی)، «#اکسیر رمضان»، «#تفسیر قرآن کریم سوره حمد در چند مجلد»، «#حج عارفان»، «#اخلاق الهی و سیر و سلوک انسانی «، «#الحصول فی علم الاصول»، «#زندگانی امام حسین از منظرهای مختلف»، «#اصول فقه»، «#شرح آداب الصلاة امام خمینی (ره)» و «#شرح رساله ذکر و ذاکر علامه حسن‌زاده آملی» را تألیف کرده است.